

تحلیلی نظری بر نظام بانکداری اسلامی و ارزیابی
کوتاهی از میزان موفقیت آن تا پایان برنامه اول توسعه
جناب آقای دکتر مرتضی عمادزاده
کارشناس اقتصادی سازمان مدیریت صنعتی

بسمه تعالی

مقدمه:

با به پایان رسیدن سالهای برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و در آستانه تدوین نظام برنامه دوم توسعه، ارزیابی جامعی از عملکرد برنامه اول در کلیه زمینه‌ها، راهنمایی موثر برای آشنایی یا موفقیت‌ها و عدم موفقیت‌های برنامه اول، اشراف بر نقاط قوت و ضعف برنامه و چگونگی تدوین برنامه دوم بوده و لاجرم از ضروریات زمان حال است.

در این نوشتار سعی می‌شود تنها گوشه‌ای از بخش اقتصادی برنامه اول که مربوط به نظام بانکی است در حد اجمال به بررسی کشانیده شود و ضمن ارائه تحلیلی نظری راههایی را که موجب ایجاد زمینه مناسب برای موفقیت بیشتر این نظام در آینده و افزایش نسبت تاثیر عملکرد سیستم بانکی در فرایند توسعه اقتصادی در برنامه دوم خواهند بود جستجو گردد.

گو اینکه به حکایت آمار و ارقام، نظام بانکی طی برنامه اول توسعه موفق بوده است که مدیریت نسبتاً قابل قبولی بر نقدینگی و هدایت آن به سمت سپرده‌های بانکی اعمال نماید و حجم اسکناس و مسکوک در دست اشخاص را که در ابتدای برنامه ۴۲ درصد جمع پول و ۱۹/۵ درصد حجم نقدینگی بوده در پایان برنامه به ترتیب به حدود ۳۶/۵ درصد و ۱۶/۲ درصد برساند و با هدایت وجوه نقد در دست اشخاص به سمت حساب‌های بانکی و افزایش حجم سپرده‌های دیداری و مدت‌دار سپرده‌گذاران که حاصل سیاستگزاری‌ها و تبلیغات و امثالهم بوده است نقش بهتری را در اداره عمومی

نقدینگی ایفا نماید، ولی هنوز هم مشکلات و مسائل مربوط به ایفای رسالت سیستم بانکی کشور بعنوان بازوی اجرائی سیاست‌های پولی و همچنین نهاد تسهیل‌کننده جریان نیل به اهداف سیاست‌های دولت جمهوری اسلامی ایران به قوت خود باقی است و نظریات کارشناسی مبین این نکته هستند که نظام بانکداری اسلامی به شیوه حقیقی و صحیح خود هنوز در کشور به اجراء درنیامده و جایگاه واقعی خود را پیدا نکرده است.^۱

از ابتدای سال ۱۳۷۲، سال آخر برنامه اول، که طرح آزاد سازی و تعدیل اقتصادی دولت تحول جدیدی را در زندگی اقتصادی جامعه معرفی نموده و عدم تعادل‌های بیشتری را (گو اینکه ممکن است کوتاه‌مدت باشد) به وجود آورده است و در راستای این تحول مسئله خصوصی‌سازی و واگذاری کارخانه‌ها و شرکت‌های دولتی به بخش خصوصی که از سال ۱۳۶۹ آغاز شده بود با علاقه و جدیت بیشتری دنبال می‌گردد، نقش سیستم بانکی کشور در سیال‌تر نمودن زمینه‌های اجرائی این برنامه‌ها و فراهم کردن نقدینگی لازم برای تسهیل آزادسازی و خصوصی‌سازی در حد بایسته فعال نبوده و از این باب نیز گلایه‌ای بر نظام بانکی وارد می‌شود.

اینکه علل واقعی عدم پویایی لازم نظام بانکی در دهه گذشته و در طول برنامه اول بیشتر به مسائل نظری و تئوریک، اجرائی و عملیاتی و یا ضوابط و دستورالعمل‌های آن مربوط می‌باشد مسائلی هستند که در متن این نوشتار بدانها پرداخته خواهد شد، ولی آنچه که مهم است آن است که در عمل، مدیران بخش صنعت و کشاورزی در اقتصاد ملی بر این باورند که پشتیبانی‌های لازم را از شبکه بانکی دریافت ننموده‌اند، تسهیلات لازم با هزینه مناسب در اختیارشان قرار نگرفته است، مشکلاتشان با سرعت و کیفیت مطلوب مرتفع نگشته و قیمت تمام شده کالاهایشان به علت گرانی خدمات و تسهیلات بانکی بیش از حد متعارف بالاست و این امر رفاه عمومی را نیز کاهش داده است. در صنعت بانکداری بین‌المللی استاندارد به وجود آمده که بین بالاترین بهره پرداختی و بالاترین بهره دریافتی بانک (در اغلب کشورهای صنعتی)، تفاوت ارقام معمولاً بین ۲ الی ۳ درصد است و به علت حجم عملیات و مدیریت کارا و برنامه‌های اصولی و منسجم این رقم تکافوی هزینه‌ها و سود مورد انتظار بانک‌ها را می‌نماید. در ایران همانطور که طی سالهای برنامه اول شاهد بوده‌ایم بالاترین سود پرداختی به حساب سپرده‌های سرمایه‌گذاری بلندمدت حدود ۱۵ درصد بوده و بالاترین سود دریافتی از متقاضیان تسهیلات بانکی نیز حسب مورد در مجموع حدود ۲۵ درصد بوده است و این تفاوت ۱۰ درصدی نزدیک به ۵ برابر استاندارد بین‌المللی است.

ظواهر قضیه حکایت از آن دارند که طی سالهای پس از انقلاب اسلامی و بخصوص در طی سالهای

برنامه اول و همچنین در طول دو سال اخیر که برنامه‌های آزادسازی و تعدیل اقتصادی و خصوصی‌سازی به اجراء درآمده است، نظام بانکی کشور همچون بخش مستقل از اقتصاد ملی که صرفاً نگران موفقیت‌های خود بوده و توجهی به مشکلات و نیازمندی‌های سایر بخش‌های اقتصاد داخلی نداشته است عمل نموده و از این جهت سازگاری و همخوانی چشمگیری بین نظامات اجرائی سیستم بانکی و سایر دستگاه‌های اجرائی مشهود نیست. از سوئی دیگر نیز شاخص‌های آماری دلالت بر آن دارند که نظام بانکی و علی‌الخصوص بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در انجام یکی از اساسی‌ترین و مهمترین رسالت‌های خویش که صیانت از استحکام ارزش پول ملی می‌باشد با موفقیت قابل توجهی روبرو نبوده است. ارزش هر ریال پول رایج کشور در سال ۱۳۵۱ برابر با ۱۰۸۰۵۵٪ گرم طلا بوده است که در سال ۱۳۷۰ همین مقدار طلا معادل ۱۵۰ ریال ارزش داشته است. یعنی طی ۱۹ سال، ارزش ریال در برابر طلا حدود ۱۵۰۰۰ درصد کاهش یافته که این میانگین کاهش در مجموع حدود ۳۰ درصد در هر سال می‌باشد. (البته چون نرخ بین‌المللی طلا هم در این مدت زیاد شده است متوسط نرخ تورم سالانه در ایران طی بیست سال گذشته حدود ۱۶/۳ درصد در سال تخمین زده می‌شود) که این نرخ برای کاهش ارزش پول ملی و کاهش رفاه اقتصادی شهروندان کشور نرخ بسیار بالائی است.^۱

به هر تقدیر آنچه که مورد نظر است آن است که با کسب آگاهی و اشراف کامل به جوانب امر و با شناخت نقاط قوت و ضعف نظام بانکی و این سیستم در راستای خدمت موثر به اقتصاد جمهوری اسلامی ایران تجهیز و تقویت گردد و نیازمندی‌های بخش‌های دیگر اقتصاد کشور را با سرعت و کیفیت مطلوب و هزینه‌های مناسب پشتیبانی و مرتفع نماید تا بتوان امیدوار بود که اهداف برنامه در دسترس قرار خواهند گرفت. آنچه که در این نوشتار بدان پرداخته می‌شود راهیابی‌های همین مسائل است. در این مقاله، پس از آنکه مدخلی بر بحث ارائه می‌گردد طرح مسئله خواهد شد بگونه‌ای که ملاحظه گردد چنانچه در میزان موفقیت نظام بانکداری اسلامی طی دهسال گذشته نقاط ضعف یا ابهامی وجود دارد علل گوناگون آنها از یکدیگر تفکیک و به طور جداگانه مورد تحلیل و بررسی واقع شوند تا بتوان در راستای راهیابی اصلاحات به طور مستقل اندیشید. چنانچه پاره‌ای از این مسائل ریشه در مبانی نظری و تئوریک نظام بانکداری اسلامی داشته باشند، این نکات مورد بررسی و مطالعه واقع می‌شوند و اگر مسائلی وجود دارند که به متن قانون یا دستورالعمل‌های اجرائی آن برمی‌گردند، این نکات نیز مورد توجه قرار گیرند. و بالاخره ممکن است پاره‌ای از اشکالات و نقاط

۱- اسلامی، غلامرضا - «قانون عملیات بانکداری بدون ربا - بررسی تجربی راهیابی‌ها» - مجله

ضعف مترتب بر نظام بانکداری اسلامی در دهسال گذشته متأثر از جنبه‌های اجرایی و پیاده کردن قانون و دستورالعمل و آئین‌نامه‌های آن باشد که این مقوله نیز مورد بازبینی قرار خواهند گرفت. در این مقاله از دستاوردهای سایر کشورهای مسلمان که در مسیر برنامه‌های اقتصادی خود نظام بانکداری اسلامی را برگزیده‌اند نیز استفاده خواهد گردید.

مدخل بحث:

اجرای سیاست‌های پولی در ایران به دلایل مختلف و از جمله:

- الف - میزان درآمدهای حاصل از فروش نفت و نقش مسلط سیاست‌های مالی در نیل به اهداف اقتصادی،
 ب - فقدان بازارهای کارآمد معاملات اوراق بهادار و حجم نسبتاً ناچیز اینگونه دارائی‌ها در کشور^۱،
 ج - وجود بازارهای غیرمتشکل ولی فعال پولی در کنار شبکه بانکی،
 د - فقدان ارتباط موثر بین بخش پولی و بخش حقیقی اقتصاد، و بالاخره
 ه - پاره ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی همچون همه‌گیر نبودن ارائه و استفاده از خدمات بانکی در سراسر کشور^۲،
 هیچگاه با موفقیت لازم همراه نبوده است.

۱- مقایسه‌ای از نظر حجم فعالیت‌های بازارهای معاملات اوراق بهادار در برخی از کشورهای جهان به شرح زیر است.

ارزش پولی معاملات انجام شده در بازار بورس نسبت به - GNP - سال ۱۹۹۱	
کره	۰/۳۲
مالزی	۰/۳۷
ترکیه	٪۶
ایران	٪۱/۵

ماخذ: مجله صنعت و ایمنی - تهران - آذرماه ۱۳۷۰

۲- در سال ۱۳۶۲ که سال تصویب قانون عملیات بانکداری بدون ربا است تعداد واحدهای فعال بانکی در سراسر کشور ۶۵۸۱ واحد بوده است. از این تعداد، ۱۶۴۵ واحد (حدود ۲۵٪) در تهران و ۴۹۳۶ واحد (حدود ۷۵٪) در شهرستانها و مراکز استانها قرار داشته‌اند. با توجه به تعداد جمعیت و ترکیب شهرنشینی و روستائینی در آن سال ملاحظه می‌شود که حدود بیست و یک میلیون نفر از جمعیت کشور که حدود نیمی از جمعیت را تشکیل می‌دهد و در روستاها و عشایر زندگی می‌نموده‌اند اساساً از استفاده از خدمات بانکی محروم بوده‌اند.

پنج سال پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، تصویب و اجرای عملیات بانکداری بدون ربا و حذف بهره از عملیات بانکی، محدودیت جدیدی را در زمینه اجرای سنتی سیاست‌های پولی معرفی نموده، و این سیاست اقتصادی را که از مهمترین ابزارهای موثر در فرایند توسعه اقتصادی و رشد صنعتی است با ابهام جدیدی مواجه کرده و تا زمانی که متغیر پولی کارآمدی که به اجرای عقود اسلامی کمکی موثر و عاجل بنماید طراحی و ارائه نگردد، به ابعاد مشکلاتی که از قبل در مسیر اجرای متداول سیاست‌های پولی فرا راه مسئولین پولی کشور قرار داشته می‌افزاید. گو اینکه ضرورت انجام مطالعه‌ای منسجم و همه جانبه در زمینه چگونگی طراحی و اجرای سیاست‌های پولی در ایران از قبل از پیروزی انقلاب اسلامی نیز کاملاً محسوس بوده، با تحولات عمده‌ای که پس از پیروزی انقلاب اسلامی حادث شده، (از جمله ملی شدن بانک‌ها و تصویب و اجرای قانون عملیات بانکداری بدون ربا) لزوم تحقیقی پیرامون چگونگی اجرای موفقیت‌آمیز سیاست‌های پولی، علی‌الخصوص اینک که کشور پای در مسیر اجرای تعدیلات ساختاری و آزادسازی اقتصادی گذارده است بیش از پیش احساس می‌شود و ضروری است که راه‌های علمی و عملی برای رفع معضلات اجرائی اینگونه سیاست‌ها تمهید شود به طوریکه بخش‌های صنعت و کشاورزی و خدمات اقتصادی ملی بتواند با بینش و آگاهی کامل نیازمندی‌های خود از نظام بانکی کشور را به روشنی تعریف و نحوه استفاده از آنرا برنامه‌ریزی نمایند و از این رهگذر گامی موثر در راستای توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور برداشته شود.

مطمئناً بسیاری از پیچیدگی‌هایی که مانع اجرای موثر سیاست‌های پولی و در خدمت قرار دادن شبکه بانکی کشور است خاص شرایط اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی ایران نبوده و وجه مشترک کلیه نظام‌هایی است که دارای اقتصادهای پولی پیشرفته نیستند. بنابراین تدبیر راه علاج برای اینگونه پیچیدگی‌های بازدارنده، علاوه بر اندیشیدن به شیوه‌های موثر بانکداری و دسترسی به متغیرهای پولی کارآمد و عوامل تاثیرگذار بر حجم نقدینگی و حمایت موثر از بخش‌های گوناگون اقتصاد ملی، نیازمند ایجاد تحول در بنیان‌های فرهنگی و اجتماعی و تاثیرگذار بر الگوهای رفتاری فردی احاد جامعه می‌باشد، تا زمینه‌ای ایجاد شود که به هنگام فراهم آمدن شرایط مورد نظر، فرهنگ استفاده صحیح و مناسب از این امکانات نیز فراهم آمده باشد.

طرح مسئله:

با اعلام رسمی کاهش ارزش ریال از ابتدای سال ۱۳۷۲ و اعلام پیروی از سیاست ارزش‌شناور کنترل شده و گام نهادن در مسیر سیاست‌های تعدیل ساختاری و آزادسازی اقتصادی، از عمده‌ترین ملزومات گوناگون اجرائی که به موفقیت این سیاست‌ها کمک موثر می‌نماید یکی هم نظام بانکداری کارآمد و تسهیلات اعتباری مناسب است که بایستی به نحوی کارآ و به کیفیتی مطلوب در خدمت

بخش‌های گوناگون اقتصادی قرار گیرد، تا بتوان حصول اطمینان نمود (در غیاب سایر برآیندهای تاثیرگذار) سیاست‌های دولت در برنامه دوم توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی با موفقیت لازم دنبال خواهد شد.

مطالعات نظری و تجربی پیرامون چگونگی عملکرد نظام بانکی و سیاست‌های پولی در چهارچوب الگوی اقتصاد اسلامی که در آن نرخ بهره وجود نخواهد داشت و خدمات بانکی و واگذاری تسهیلات اعتباری مورد نیاز صنعت نوعاً در قالب عقود اسلامی صورت می‌پذیرد، علیرغم آنکه از چند دهه گذشته مورد توجه اغلب اقتصاددانان مسلمان سراسر جهان قرار داشته و طی بیست سال گذشته نیز حجم نسبتاً قابل توجهی از بررسی‌ها و تحقیقات در این زمینه با گرایش اصول و عملیات بانکداری اسلامی منتشر شده است، هنوز مراحل آغازین خود را می‌گذراند و نمی‌توان گفت که تمام نظرات ابرازی یا متون منتشر شده، در عمل هم به قواعد عمومی بانکداری مورد نیاز صنعت و کشاورزی پاسخ عملی و تجربه لازم را خواهند داد، گو اینکه خوشبختانه هر روز شاهد مطالعه و تحقیق پیرامون طرح جدیدی که امکاناً پاسخگوی بخشی از نیازمندی‌های این مکتب اقتصادی گردد می‌باشیم.

نکاتی که اینک پس از ده سال تجربه بانکداری اسلامی در ایران بایستی در مسیر رفع ابهامات موجود نسبت به توانمندی و عملکرد این نظام بانکداری و پشتیبانی‌های موثر از برنامه توسعه اقتصادی بدانها پرداخته شود گوناگون و متنوعند.

از آنجائی که در پاره‌ای از متون و نوشتارهای تخصصی^۱ و حتی مصاحبه‌های رسمی مطالبی ملاحظه می‌شود که حاکی از تجربه نه چندان موفق نظام بانکداری اسلامی در عمل است، ضرورت دارد که در جهت انفکاک علل این عدم موفقیت، مسائل مرتبط با نظام بانکداری اسلامی که هر یک می‌توانند سئوال بالقوه‌ای را در مرتبت خود متبادر به ذهن کنند در دسته‌بندی‌های مختلف ولی هم سنخ طبقه‌بندی شوند و هر دسته از سئوالات به شیوه خاص خود مورد مطالعه و پاسخ قرار گیرند. آنگاه می‌توان به روشی علمی، علل اصلی مشکلات موجود عدم موفقیت این نظام بانکداری را ریشه‌یابی و در جهت رفع آنها اقدام نمود.

دسته اول از این مسائل قاعدتاً بایستی نکاتی باشند که زیربنای نظری و تئوریک نظام بانکداری اسلامی را در مقابل نظام بانکداری سنتی به مقایسه بکشاند و بررسی کنند که آیا نظام بانکداری اسلامی از لحاظ نظری و تئوریک دچار کاستی و نارسائی‌هایی می‌باشد یا خیر و اینکه در صورت وجود کاستی‌های تئوریک این نارسائی‌ها در کجاست و راه مرتفع کردن آنها کدام است.

دسته دوم نکاتی که متن قانون و دستورالعمل‌های اجرایی قانون عملیات بانکداری بدون ربا را

بررسی و تحلیل کنند و نتیجه گیری نمایند که آیا محتوی این اسناد قانونی در جهت نیل به یک نظام کارآی بانکداری اسلامی وافی به مقصود می باشد یا اینکه کاستی های این قوانین و مقررات است که از اجرای صحیح و اصولی بانکداری اسلامی ممانعت و پیشگیری می نماید.

بالاخره دسته سوم نکاتی که فارغ از مبانی نظری و تئوریک و تکافوی محتوایی قانون و دستورات العمل ها و آئین نامه ها، نحوه پیاده شدن و اجرای قانون را بررسی و تحلیل می کنند و به ما خواهند گفت که آیا در فهم و اجرای قانون و ضوابط مربوط به آن دچار هیچگونه نقص و عیبی هستیم یا خیر. در این بخش به طرح و تحلیل نکات فوق الذکر خواهیم پرداخت.

الف - مواردی که به مبانی نظری نظام بانکداری اسلامی می پردازند:

در این زمینه سئوالات و مطالب زیادی قابل طرح می باشند که به برخی از عمده ترین آنها اشاره می شود:

الف / ۱ - در غیاب نرخ بهره وری و مکانیزم های نظری اقتصاد نئوکلاسیک، متغیری که بطور مؤثر و کار آتوازن و تعادل بین عرضه منابع (پس اندازها) و تقاضای منابع (تقاضای سرمایه گذاری) را ایجاد و حفظ نماید چه متغیری است؟ آیا سود و منافع عقود اسلامی از لحاظ برآورده نمودن نیازهای نظری، به خوبی از عهده ایفای چنین نقشی برخوردار آمد. آیا در شرایط برقراری عدم تعادل، ویژگیهای خود تصحیحی لازم در این متغیر پولی وجود دارد. آیا جرح و تعدیل نرخ سود و منابع عقود اسلامی توسط مقامات پولی همچون نرخ بهره به دفعات و به راحتی میسر است و شبکه بانکی با سرعت و دقت لازم می تواند مشی های اعلامی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و دشواری پول و اعتبار را به مرحله اجراء در آورد.

الف / ۲ - برای پیشگیری از تقلیل ارزش موجودی های نقدی و پس انداز افراد در مقابل تورم و ترغیب و تشویق عاملین اقتصادی به تبعیت از سیاست های اقتصادی دولت، آیا در الگوی بانکداری بدون ربا علی الخصوص در کشورهای اسلامی که به علل ساختار اقتصادی، معمولاً تورم دارای نرخ بالایی است، تمهیدات لازم اندیشیده شده و یا اینکه در هر مورد خاص ضروری است که حسب نیازهای همان مورد تصمیمی اتخاذ شود.

الف / ۳ - آیا در این نظام بانکداری شبکه بانک های تخصصی و تجاری وظیفه گسترش اعتبارات از طریق مکانیزم ایجاد پول بانکی را بعهده خواهند داشت و در اجرای سیاست های پولی بصورت معین بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران عمل می کنند و یا اینکه صرفاً بانک مرکزی است که کنترل (انسباط یا انقباض) عرضه پول را در اختیار دارد. در این ارتباط نقش بانک های تجاری و تخصصی در فرایند توسعه چگونه تعریف می شود.

الف / ۴ - در زمانهایی که اقتصاد ملی دچار رکود است و انگیزه‌های برای فعالیت‌های اقتصادی وجود ندارد، در غیاب متغیری همچون نرخ بهره، انگیزه‌سازی برای افزایش پس‌انداز و انباشت سرمایه و ایجاد تمایل به سرمایه‌گذاری از طرف بخش خصوصی چگونه انجام می‌شود و مکانیزم‌های پیشنهادی نظام بانکداری اسلامی برای علاج این عدم تعادل‌ها کدامند؟

الف / ۵ - آیا در نظام بانکداری اسلامی بانک‌ها صرفاً واسطه و جوه هستند (Financial Intermediaries) و یا اینکه خود مستقلاً در فعالیت‌های صنعتی و تجاری مشارکت می‌کنند (Investment corporations) و در این نقش بصورت یک سرمایه‌گذاری ظاهر می‌شوند و عملاً در منزلت یک موسسه توسعه‌ای فعالیت می‌نمایند.

ب - مواردی که به تکافوی محتوای قانون و دستورالعمل‌های نظام بانکداری اسلامی می‌پردازند:

ب / ۱ - آیا آئین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های اجرایی نظام بانکداری بدون ربا در تمامی ابعاد نیازهای بخش‌های صنعت و کشاورزی و خدمات اقتصاد داخلی را مورد پیش‌بینی، تشخیص و برخورد قرار داده، و یا اینکه از یک قاعده عمومی و کلی برای تمام نیازهای نقدینگی و سرمایه‌گذاری بخش‌های دولتی و غیردولتی حدوداً بطور یکسان استفاده می‌نماید. آیا از ملاحظه قانون و دستورالعمل‌های اجرایی آن جهت‌گیری‌های خاصی در اولویت دادن به بخش‌های اقتصادی و چگونگی برخورد با امر توسعه اقتصادی استنباط می‌گردد؟

ب / ۲ - آیا تغییرات مکرر و نوسان در نحوه برخورد و تصمیم‌گیری‌های شورای پول و اعتبار و مقامات بانک مرکزی و صدور بخشنامه‌های متعدد که بعضاً مراحل کارشناسی و تجربی را بخوبی نگذرانده‌اند و به همین علت مرتباً نقص و جایگزین می‌شوند این خطر را بوجود نمی‌آورد که قابلیت برنامه‌ریزی بخش خصوصی در زمینه‌های سرمایه‌گذاری، صادرات و واردات و معاملات داخلی و غیره تضعیف شود و علیهذا استفاده از خدمات شبکه بانکی با اطمینان، ثبات و استقبال لازم مواجه نشود.

ج - مواردی که به زمینه‌های اجرایی و موضوعات تجربی دهه گذشته نظام بانکداری اسلامی توجه دارند:

ج / ۱ - آیا آنگونه که نظر قانون است، نظام بانکی ما در دهه گذشته بصورت یک شریک و امین واقعی سپرده‌گذار عمل نموده و اینکه آیا اساساً چنین نقشی برای بانک‌ها در فرهنگ اقتصادی جامعه جای خود را باز کرده است یا اینکه جامعه ما به عملیات بانکی که در قالب عقود انجام می‌گیرد همچون نظام وام‌دهی در بانکداری ربوی می‌اندیشد که فقط تغییر نام داده است، و اینکه آیا کارگزاران اجرایی

بانک‌ها تلاش مشخص در جهت رفع اینگونه سوء تفاهات از خود نشان داده‌اند یا خیر؟

ج / ۲ - آیا بافت کنونی و ساختار تشکیلاتی نظام بانکی کشور با ترکیب ارکان سیستم بانکی بصورت موجود جهت ایجاد انگیزه و رقابت بین بانک‌ها بافت مناسبی است یا بهتر آن است که با اصلاح ساختار تشکیلاتی بانک‌ها، هر یک از بانک‌ها دارای مجمع عمومی جداگانه و شورای عالی جداگانه‌ای باشند و یا استقلال و اختیارات وسیع‌تر عمل نموده از تمام ابتکارات و امکانات خود در جهت رشد استفاده نمایند.

ج / ۳ - آیا با بررسی عملکرد حجم واقعی عقود اسلامی در دهه گذشته مناسب‌تر نیست که عقود دوازده‌گانه را با ترکیب‌ها و ادغام‌های مناسب محدودتر نمائیم. عقودی را که کاربردهای چندانی خاص نداشته‌اند (همچون مزارعه و مساقات) حذف کنیم و عقودی را که کمتر مورد استفاده قرار گرفته‌اند در یکدیگر ادغام و سیستم را ساده‌تر و همه فهم‌تر کنیم و با تمرکز بر فعالیت‌های آموزشی، احتمال موفقیت را افزایش دهیم.

این نکات نمونه‌ای و سئوالاتی چند از نمونه‌های متنوع‌تر و گوناگون دیگر است که بایستی در راستای بررسی میزان موفقیت نظام بانکداری اسلامی مورد توجه و دقت سیاست‌گذاران قرار گیرند و در جهت ارتقاء کیفیت صنعت بانکداری و کمک به توسعه اقتصادی و اجتماعی راه کارهای عملی و قابل اجراء تحصیل شود.

شیوه بررسی:

در این نوشتار سعی می‌شود پس از مروری گذرا بر قانون عملیات بانکداری بدون ربا و دستورالعمل‌های اجرائی آن، نقدی شکلی بر پاره‌ای مفاهیم که اصلاح آنها مورد پیشنهاد می‌باشد ارائه شود و سپس با طرح و بحث بعضی از عمده‌ترین سئوالاتی که در فوق مطرح شده‌اند راه کارهای تخصصی و اجرایی لازم که به حل مشکل منجر گردد جستجو شود. سپس کاربرد این راه کارها و پیشنهادها در مسیر برنامه‌های آزادسازی اقتصادی و تعدیلات ساختاری که در برنامه دوم توسعه اقتصادی - اجتماعی فرهنگی دولت جمهوری اسلامی ایران پیش‌بینی شده است مورد مطالعه قرار خواهند گرفت. نهایتاً نیز به جمع‌بندی مطالب و ارائه پیشنهادات خواهیم پرداخت.

بحث:

بررسی‌های کتابخانه‌ای و مشاوره‌ای این تحقیق مقدماً این نکته را دلالت می‌کنند که در جهت موفق نمودن نظام بانکداری اسلامی در ایران، قبل از هر چیز لازم است در نحوه نگرش ما به رسالت و وظائف سیستم بانکی در قبال نیازهای بخش‌های گوناگون اقتصاد تحولی اساسی پدیدار شود. آنچه که در بدایت امر بنظر می‌رسد آن است که طی دهه گذشته، سیستم بانکی کشور خود را در قبال

موفقیت یا شکست برنامه‌های صنعتی، کشاورزی و خدماتی اقتصاد کشور بطور مستقیم مسئول و سهیم ندانسته و بصورت یک بخش مستقل جداگانه که در پی برنامه‌ها و موفقیت‌های خویش بوده، بطور انتزاعی عمل نموده است. با توجه به اینکه مسئولیت‌پذیری سیستم بانکی در کلیه مراحل برنامه‌ریزی و اجرای برنامه‌های اقتصادی دولتی در بخش‌های صنعت و کشاورزی و خدمات از جمله ابزارهای موفقیت این برنامه‌هاست، بدون تردید و بعنوان اولین گام، نیاز کشور، اصلاح دیدگاه سیستم بانکی در مورد جایگاه خویش در وظائف و مسئولیت‌ها و اختیارات نسبت به سایر بخش‌های اقتصاد است. تحلیل موضوعات مطروحه در فوق تلاشی است برای آنکه بینیم اولاً دلالت‌های پیش‌گفته تا چه حدی مقرون به صحت است و ثانیاً این که این اصلاح دیدگاه‌ها از چه زاویه‌ای بایستی بیشتر مورد توجه قرار گیرد تا بیشترین کارائی و بهره‌وری از نظام بانکی تحصیل شود و این ابزار اقتصادی را به درستی در اختیار برنامه توسعه قرار دهد.

بررسی مطالب مربوط به زمینه‌های نظری - مورد بند الف / ۱ - مسئله نرخ سود عقود:

مطالعات و تحقیقات اقتصاددانان مسلمان^۱ حاکی از آن است که پاسخ این مورد پاسخی مثبت است و نرخ سودی که به سپرده‌های بانکی تعلق می‌گیرد از نظر ویژگیها و مختصات اقتصادی در ایجاد تعادل و رفع نابرابری‌های کمیت‌های کلان اقتصادی از جمله منابع پس‌انداز و تقاضای سرمایه‌گذاری بطور نظری همانند نرخ بهره در سیستم بانکداری ربوی عمل می‌نماید. خلاصه این تحقیقات که مسئله را با فرض ثبات قیمت‌ها بررسی می‌کند نتیجه‌گیری می‌نمایند که به همان ترتیب که به هنگام انبساط اقتصادی و شروع فشارهای تورمی دولت سعی می‌کند با آرام کردن اقتصاد بر روی سطح قیمت‌ها اعمال کنترل کند و یکی از طرق اعمال این کنترل‌ها افزایش نرخ بهره است تا تقاضای سرمایه‌گذاری کاهش و انباشت وجوه در حسابهای پس‌انداز افزایش یابد. افزایش نرخ سود عقود متعلق به سرمایه‌گذاری‌ها که با منافع مالی مردم و با وکالت بانک‌ها صورت می‌پذیرد موجب افزایش هزینه‌های سرمایه‌گذاری شده و در شرایط متعارف رغبت به انجام سرمایه‌گذاری را کاهش می‌دهد و به این ترتیب فشار تقاضای سرمایه‌گذاری را کم می‌کند. از طرف دیگر نیز این افزایش نرخ بعثت ایجاد انگیزه‌های شخصی موجب انباشت بیشتر منابع نقدی مردم در حساب‌های سپرده بانک‌ها می‌گردد، که خود در کوتاه مدت فشار تقاضا را کاهش می‌دهد و خود اقدامی ضد تورمی است. برعکس، هنگامی که اقتصاد در تله رکود و کاهش فعالیت‌ها قرار گرفته و بعثت چشم‌انداز نامطمئن آینده عاملین اقتصادی فعالیت لازم را ندارند، دولت‌ها با کاهش نرخ بهره مردم را از انباشت منابع در حساب‌های

۱- از جمله رک به: محسن خان. «بانکداری اسلامی بدون ربا، تحلیل نظری» صندوق بین‌المللی پول - بخش تحقیقات سند شماره DM/85/54 سپتامبر ۱۹۸۵ صفحات ۱۱ الی ۱۷.

پس‌انداز و نگهداری پول را کد دور می‌کند تا با افزایش نقدینگی در دست مردم تقاضای معاملاتی ایشان افزایش یابد و چرخهای اقتصاد دور سریع‌تری به خود بگیرند. همین هدف از طریق کاهش نرخ سود مشارکت سپرده‌گذار در حساب‌های بانکی قابل حصول است و مردم که ملاحظه می‌کنند از طرفی بعلت رکود اقتصادی مبلغ قابل دریافت از سهم سود مشارکت رقم قابل توجهی نیست و مضافاً نرخ این مشارکت در سود نیز از سوی دولت تقلیل داده شده، ترجیح می‌دهند که از پول نقد خود بیشتر بهره‌مند شده و به ارضاء نیازها و تقاضاهای اشباع نشده خود بپردازند و علیهذا و جوه خود را از بانک خارج نموده و مصرف می‌کنند و این امر خود موجب افزایش تقاضای کل و سرعت بیشتر چرخهای اقتصاد خواهد شد.

اینگونه استدلال‌ها که با کمک تحلیل‌های هندسی و جبری در نوشتارهای اقتصاددانان مسلمان به اثبات رسیده‌اند فراوان یافت می‌شود و حاکی از آن است که در غیاب نرخ بهره که ابزار تعدیلات در اقتصاد نظری است، نرخ سود مشارکت در عقود اسلامی از عهده ایفای نقش برخواهد آمد و خلاء مشکل آفرینی را در مقابل رو نخواهیم داشت. قابل توجه است که اتفاقاً نرخ بهره در نظام بانکداری سنتی از لحاظ تئوریک دارای کاستی‌ها و مشکلات متعددی است و نتایج تغییرات آن معمولاً در قبال سیاستگذاری‌های مالی بصورت ضدسیاست ظاهر می‌شود^۱ و راه‌حل اجرایی قابل قبولی برای رفع این کاستی هنوز ارائه نشده، در حالی که این کاستی در نرخ مشارکت عقود اسلامی از طرق دیگری که اعمال راه‌حل‌های انتخابی خاص در قبال عقود مختلف است جبران شده است و این خود امتیازی برای نظام بانکداری اسلامی است.

بنابراین مشخص می‌گردد، که حداقل در مقطع مباحث نظری، غیاب نرخ بهره از لحاظ مکانیزم‌های رفع عدم تعادل و اجرای سیاستگذاری‌ها به توسط حضور نرخ سود مشارکت عقود اسلامی جبران می‌شود و ایجاد تعادل بین عرضه منابع و تقاضای منابع توسط این نرخ برقرار می‌گردد. این پارامتر پولی از نظر تئوریکی دارای ویژگیهای خود تصحیحی که لازمه یک ابزار سیاستگذاری است نیز می‌باشد. از لحاظ محدودیت تعداد دفعات تغییر این نرخ در هر دوره مالی که لازمه اعمال سیاست‌ها است نیز موضوعی مغایر با امکان اعمال این تغییرات در قوانین موضوعه ملاحظه نمی‌شود و حداقل این است که بگوئیم مسائل و مشکلات آن در حد اشکالات مربوط به تغییر نرخ بهره در نظام بانکداری سنتی است.

در مورد تاثیر و کاربرد نرخ بهره بعنوان یک ابزار اجرایی سیاست‌های پولی در ایران نیز مطالعات

۱- عمر چاپرا «سیاست‌های پولی در اقتصاد اسلامی» مقاله‌ای در کتاب «پول و بانکداری در اسلام»، موسسه مطالعات سیاستگذاری - پاکستان - ۱۹۸۳ صفحات ۳۳ و ۳۴.

انجام شده به خوبی نشان می‌دهد که طی سالهای ۱۳۵۷ - ۱۳۳۸ که اقتصاد ایران اقتصادی شبیه به سرمایه‌داری غربی و نظام بانکی آن نیز نظام بانکداری ربوی بوده است تغییرات نرخ بهره هیچگاه بعنوان یک ابزار اجرایی موثر ایفای نقش ننموده و به این ترتیب حذف بهره از نظام بانکی در جمهوری اسلامی ایران نایستی هیچگونه خلائی، که سیاستگذاران پولی و مسئولین اقتصادی و بانکی را با اشکال مهمی مواجه نماید ایجاد کند.^۱

در پاسخ به این مورد که در غیاب نرخ بهره، حجم پس‌اندازها دستخوش چگونه تغییراتی می‌شود و در حالتی که پس‌اندازها درآمدی ایجاد نمی‌کنند، چه انگیزه‌ای می‌تواند موجب حفظ سطح مطلوب آنها و مالاً تشکیل سرمایه گردد، مطالعات چندی انجام شده است. برخی از محققین^۲ معتقدند که در جامعه‌ای که نرخ بهره تثبیتی و از قبل تعیین شده‌ای وجود نداشته باشد، ممکن است پس‌اندازها کاهش یابد، و براساس این اعتقاد در مورد اثرات سوء کاهش پس‌اندازها و تأثیرات آن در تقلیل سرمایه‌گذاری و متوقف شدن رشد اقتصادی و کمتر شدن ظرفیت‌های تولیدی برای عرضه کالا و خدمات و سایر بازتاب‌های آن بحث‌های گوناگونی مطرح نموده‌اند. نحوه استدلال در چنین نگرش‌ها این است که هنگامیکه نرخ بهره تثبیتی وجود ندارد و سودآوری منابع نقدینگی فقط بستگی به موفقیت سرمایه‌گذاری دارد، بازدهی پول مشمول عدم اطمینان و ریسک بیشتری است و طبعاً پس‌اندازها کاهش می‌یابد. به عبارت دیگر، با بررسی افزایش ریسک، درست به مشابه کاهش بازدهی، مسئله را در چهارچوب مدلی مانند مدل توبین^۳ دنبال می‌نمایند و نتیجه‌گیری می‌کنند که لاجرم حجم پس‌اندازها کاهش خواهد یافت. این نکته که افزایش ریسک منجر به کاهش پس‌اندازها می‌شود و توسط آلفرد مارشال نیز در حد کلیات مطرح شده بود، اخیراً طی مطالعات تحلیلی و کمی بیشتر نیز در حد این زمینه صورت گرفته است بحث^۴ و اینگونه نتیجه‌گیری شده که کاهش پس‌اندازها بعلت افزایش خطر بی‌اطمینانی نسبت به بازدهی، امر مسلمی نیست و بستگی به عواملی متعدد از جمله تابع مطلوبیت افراد و ماهیت متغیرهای وارده در چنین توابعی خواهد داشت (مثل اینکه افراد چه مقدار از ریسک کردن گریزان باشند، محاسبه ارزش روز بازدهی‌های آینده چگونه است، و یا اینکه آثار جانشینی و درآمدی افزایش بی‌اطمینانی در مورد

۱- عمادزاده، مرتضی: «مدل تقاضای پول برای اقتصاد ایران در ارتباط با سیاست‌های پولی» رساله دکترای رشته اقتصاد. دانشگاه آزاد اسلامی - تهران ۱۳۶۸ فصل دوم از بخش سوم.

2-Pryor, F. "The Islamic Economic System". Journal of Comparative Economics 1985.

vol. 9 PP:197 - 223

3- James Tobin

4- Sandmo, A. "The Effects of Uncertainty on Saving Decision". Review

of Economic Studies. 1970. vol. 3 PP: 536 - 560

درآمدهای آتی سرمایه‌ها چیست؟)

چنانچه بازدهی درآمدهای غیرسرمایه‌ای آینده (مثل پس‌انداز جهت تأمین معیشت روزگار پیری و از کار افتادگی) مشمول بی‌اطمینانی گردد، این مسئله به تنهایی شرط کافی خواهد بود تا مصرف‌کننده کاهش یابد و پس‌انداز بیشتر شود^۱ و این خود یک نمونه بارز از نقض نظریه‌ای است که عدم اطمینان در مورد بازدهی آینده منابع موجب کاهش پس‌انداز می‌شود.

چنانچه بازدهی درآمدهای سرمایه‌ای آینده مشمول بی‌اطمینانی شود، آنگاه بحث از اثر درآمدی و یا جان‌شینی افزایش بی‌اطمینانی مطرح می‌گردد که فرآیند آن بر روی حجم پس‌اندازها متکی به آن است که کدامیک از دو اثر قوی‌تر باشند. در سایر شرایط معقول و متعارف با افزایش عدم اطمینان نسبت به بازدهی منابع نقدینگی، تقاضای احتیاطی پول کاهش می‌یابد و پس‌اندازها بیشتر می‌شوند. پس اینکه افزایش ریسک موجب کم شدن پس‌اندازها می‌شود امر مسلمی نیست و لازم است شرایطی را که الزاماً موجب می‌شوند با افزایش بی‌اطمینانی در مورد بازدهی پول، مواجهه با تقلیل حجم پس‌اندازها شویم به درستی شناخته شود. آنگاه بینیم در نظامی که در آن بهره‌تثبیتی وجود دارد و نظامی که در آن بهره‌تثبیتی وجود ندارد، مسئله عدم اطمینان در مورد بازدهی درآمدها چگونه روی حجم پس‌اندازها اثر می‌گذارد^۲

به نظر ایروینگ فیشر، خطر بی‌اطمینانی در مورد درآمدهای آینده موجب می‌شود که مصرف‌کننده جاری تقلیل یافته و پس‌اندازها افزایش یابند^۳. این نظریه بعدها مورد تجدید نظر قرار گرفت و به تحلیل و مطالعات کمی و مشروحی کشیده شده و مورد تأیید سایر محققین نیز واقع گردیده است. نتیجه کلی این بررسی‌ها این است که اگر بی‌اطمینانی مربوط به درآمدهای آینده (و نه نگهداری سرمایه) باشد، با افزایش بی‌اطمینانی بازدهی، مصرف جاری و پس‌انداز افزایش می‌یابد. چنانچه بی‌اطمینانی مربوط به نگهداری سرمایه (و نه درآمدهای آتی) باشد، با مفروض داشتن مشخصات و ویژگیهای احتراز از ریسک، در مطالعه‌ای که با استفاده از معادله اسلاتسکی انجام شده ملاحظه گردیده است که در صورتی که بازدهی پس‌اندازها مطمئن نباشد، ابتدا بعلت اثر جان‌شینی پس‌اندازها کم، و سپس اثر درآمدی آن را افزایش می‌دهد و علیهذا اثر کلی آن کاملاً مشخص نیست و بستگی به قوت هر یک از این دو اثر دارد.

1- Phelps, E.S. "The Accumulation of Risky Capital". John Wiley Pub Co. N.Y.

1967. PP: 137 - 153

۲- توتونچیان، ایرج: «مقایسه‌ای اجمالی بین هزینه و صحت سرمایه‌گذاری در سیستم ربوی و غیرربوی»

مجله تحقیقات اقتصادی دانشگاه تهران - شماره ۴۰ - پائیز ۱۳۶۷ - ص ۲۷ - ۱

3- Fisher, I. "The Theory of Interest". McMillan Pub Co. N.Y. 1930

با توجه به نتیجه گیریهای فوق الذکر، ندیم الحق و عباس میرآخور در یک مطالعه مشترک^۱ که با استفاده از تحلیل‌های ریاضی انجام شده است مسئله اثرگذاری تغییر در بازدهی انتظاری پول روی حجم پس‌اندازها در مدل‌هایی که در آنها پس‌اندازها سود مشخص و سود نامشخص تحصیل خواهند کرد را بررسی و به نتایج قابل توجهی دست یافته‌اند.

مقدمتاً در این مطالعه عنوان شده که تعبیری که از نظام اقتصاد اسلامی می‌شود، و براساس آن ادعا می‌گردد که اگر نرخ بهره مشخص و معین از قبل وجود نداشته باشد پس‌اندازها کاهش می‌یابد، بر این مبناست که تعداد دارائی‌ها که قابل سرمایه‌گذاری هستند به علت غیاب نرخ بهره، طبعاً در نظام اسلامی محدودتر است و علیهذا ریسک سرمایه‌گذاری افزایش می‌یابد، پس این خود موجب کاهش پس‌انداز می‌شود.

اگر فرض کنیم در کشورهای صنعتی پیشرفته غرب، اوراق بهاداری که کاملاً بدون ریسک هستند از سیستم حذف شوند، طبعاً مردم بدون مشکل چندانی، بهترین پرتفوی از سایر انواع اوراق بهادار را انتخاب و سرمایه‌گذاری خواهند نمود.

در نظام اسلامی هم به همین کیفیت است که مردم یک پرتفوی متناسب با امکانات مالی و سلیقه خود را انتخاب و نقدینگی خود را (با استفاده از عقود) سرمایه‌گذاری می‌نمایند. پس آنچه که در مورد حجم پس‌اندازها تعیین کننده است مسئله درجه ریسک و بازدهی دارائی‌هاست و پس‌انداز تابعی از نرخ بازدهی پرتفوی مرکبی از مجموعه دارائی‌ها (یعنی متوسط نرخ بازدهی در اقتصاد) می‌باشد. بدین ترتیب مسئله مشخص بودن یا مشخص نبودن نرخ بازدهی نقش آنچنانی ندارد، و تابع پس‌انداز را می‌توان بدینگونه ارائه کرد:

$$S = f(r, 0)$$

$$\frac{\delta S}{\delta r} < 0 \quad \text{ریسک} \quad \frac{\delta S}{\delta r} > 0 \quad \text{بازدهی}$$

سپس نشان داده شده است که در حالتی که نرخ بهره کاملاً مشخص باشد، مصرف در هر مقطعی از زمان با دو متغیر ثروت و رجحان زمانی بطور متناسب و مستقیم و یا نرخ بازدهی اقلام دارائی و ثروت بصورت معکوس مرتبط می‌باشد. بطوریکه هرگاه بازدهی ثروت افزایش می‌یابد، مصرف کاهش می‌یابد و پس‌انداز زیاد می‌شود، یعنی در صورت افزایش بازدهی شاهد افزایش پس‌اندازها بوده و تا جایی که نرخ بازدهی دارائی‌ها بزرگتر از میل نهایی به مصرف از محل ثروت باشد، شاهد انباشت ثروت نیز می‌باشیم.

۱- ندیم الحق - میرآخور عباس: «رفتار پس‌اندازها در اقتصادی که نرخ بهره از قبل تثبیت شده در آن وجود ندارد» موسسه تحقیقات و مطالعات اسلامی، تگزاس آمریکا ۱۹۸۷ صفحات ۱۲۵ الی ۱۳۹

حال اگر مطالعه را در شرایطی که نرخ بازدهی مشخص و قطعی نباشد دنبال کنیم (یعنی مسئله عدم اطمینان بازدهی را بعنوان یک عامل ریسک وارد تابع نماییم) گو اینکه امکان دارد که در پایان دوره حتی مواجه با بازدهی منفی و کمتر شدن ارزش سرمایه اصلی نیز بشویم باز هم مصرف بعنوان تابعی از ثروت نقش خود را حفظ می‌نماید و مانند مدل قبل، میل نهایی به مصرف از محل دارائی‌ها نقش اساسی در تعیین میزان پس‌اندازها دارد.

محققین فوق‌الذکر برای درک تفاوت بین دو مدل، متغیر میل نهایی به مصرف را بررسی و مشاهده نموده‌اند که فارغ از وجود یا عدم وجود یک نرخ بهره مشخص و تثبیتی حجم پس‌اندازها بطور مستقیم به میانگین بازدهی دارائی‌ها و بطور معکوس به درجه مخاطره‌آمیز بودن بازدهی دارائی‌ها (در شرایط عدم اطمینان) مربوط می‌شود. نهایتاً در این مطالعه نتایج زیر بعنوان دستاوردهای تحقیق بیان گردیده است:

الف - اینکه با افزایش عدم اطمینان در مورد بازدهی پس‌اندازها، حجم پس‌اندازها کاهش می‌یابد، امر مسلم و ثابتی نیست.

ب - انتقال از نظام بانکداری سنتی به نظام بانکداری اسلامی الزاماً به معنای افزایش بی‌اطمینانی در مورد بازدهی پس‌اندازها نمی‌باشد.

ج - در نظام بانکداری اسلامی بسیار محتمل است که، حداقل بعزت حذف اختلاف بین نرخ بهره دریافتی و پرداختی که در نظام بانکداری سنتی بعنوان سود بانکها منظور می‌شود و مقدار آن نیز رقم معتنا بهی را در طی هر دوره تشکیل می‌دهد، بازدهی پس‌اندازها ممکن است بیشتر هم شود.

د - فقدان اوراق بهادار کاملاً بدون خطر، در اثر بازدهی بیشتر پس‌اندازها قابل جبران است، پس انتظار این است که حجم پس‌اندازها یا ثابت می‌ماند و یا اینکه افزایش خواهد یافت.

ه - نفی ربا در اسلام موجب افزایش سهم پس‌اندازکنندگان در سود کل می‌شود و به همین دلیل باعث ازدیاد پس‌انداز می‌گردد، چون در شرایط بانکداری سنتی، قطعاً نرخ بازدهی سرمایه‌گذاری بیشتر از نرخ بهره پرداختی به حسابهای پس‌انداز بوده است که سرمایه‌گذارها تشویق می‌شده‌اند و در نظام بانکداری اسلامی که حقوق پس‌اندازکنندگان بیشتر مرنی می‌گردد طبعاً پس‌انداز بیشتری تشکیل خواهد شد.

بررسی مطالب مربوط به زمینه نظری - مورد بند الف ۲ - مسئله تورم و کاهش پس‌اندازها:

در پاسخ به این مورد که جهت پیشگیری از تقلیل ارزش موجودی‌های نقدی و پس‌انداز افراد در مقابل تورم در نظام بانکداری اسلامی چه راه حلی ارائه گردیده است و در کشورهای جهان اسلامی که بعثت تنگناهای ساختاری و اقتصادهای غیرصنعتی و بعضاً تک محصولی، معمولاً نرخ تورم خیلی بیشتر از نرخ سودی است که به سپرده‌ها تعلق می‌گیرد و ارزش سپرده‌های مردم به سرعت کاهش می‌یابد، برای این مشکل چه مفری تمهید شده، اقتصاددانان مسلمان نکات گوناگونی را مطرح می‌نمایند.^۱ دسته‌ای از نکات پیرامون این موضوع است که اصل اساسی در نظریه اسلامی اجرای عدالت و احقاق حقوق مردم و پیشگیری از هرگونه ظلم و ستم به افراد است^۲ و همانطور که خواسته می‌شود که در قبال پرداخت قرض الحسنه هیچگونه مازادی دریافت نشود، علی‌الاصول بایستی بازپرداخت این وجوه نیز به گونه‌ای باشد که وام‌دهنده در طول زمان مشمول کاهش ارزش منابع مالی خود نگردد. پس بایستی حساب‌های سپرده از طریق روش‌های گوناگونی از جمله از طریق اعمال شاخص تورم تعدیل گردند. عده دیگری از اقتصاددانان مسلمان این رویه را خلاف فقه اسلامی دانسته و آن را مردود می‌شمارند چراکه پرداخت ما به التفاوتی از همان جنس در حیطه عملیات ربوی «رباء الفضل» قرار می‌گیرد و عمل حرامی است و لذا با این پیشنهاد مخالفت می‌نمایند^۳

آنچه که قابل توجه است این است که کاهش ارزش سپرده‌ها در بانک‌ها که به علت سیر تورمی قیمت‌ها است نکته‌ای نیست که مخصوص نظام بانکداری اسلامی باشد و هم اکنون در بسیاری از کشورها که نظام بانکداری سنتی را دنبال می‌کنند سپرده‌های پس‌انداز بعثت فزونی نرخ تورم از نرخ سودسپرده‌های بانکی مشمول از دست دادن ارزش واقعی می‌باشد. به همین دلیل نیز بعنوان مثال از سال ۱۹۸۰ هیئت مدیره بانک‌های فدرال و وام‌های مسکن در ایالات متحده اجازه داده است که موسسات وام مسکن نوعی حساب‌های رهنی که ذخائر آن بر حسب نرخ تورم تعدیل می‌شوند (Price Level Adjusted Deposits - PLAD) و همینطور نیز نوعی حساب‌های سپرده پس‌انداز که موجودی آنها بر حسب نرخ تورم تعدیل می‌شوند افتتاح نمایند. این مجوزها بمنظور فراهم آوردن شرایطی است که منابع نقدینگی مردم قدرت خرید ثابت خود را حتی المقدور حفظ کنند.

از طرف دیگر در بانکداری اسلامی فرض بر آن است که در شرایط تورمی، سود حاصل از عملیات بانکداری و مشارکت‌ها و اجرای پروژه‌ها که به قیمت روز انجام و معامله می‌شوند بیشتر خواهند بود و چنانچه بانکداری اسلامی در تمام ابعاد و با تمام قواعد و ضوابطش به درستی پیاده شده باشد،

۱- از جمله رک به: محفوظ علی «پول و بانکداری در اسلام» موسسه مطالعات سیاست‌گذاری، اسلام‌آباد پاکستان ۱۹۸۳ - صفحه ۶۳

۲- در این مورد به آیه شریفه «وان تبتم فلکم رثوس اموالکم لاتظلمون و لاتظلمون» استناد می‌نمایند.

۳- از جمله رک به همان منبع ص ۵۹ - ۵۸ بقره ۲۷۹

حداقل این است که مردم درصدی از سود مشارکت دریافت خواهند کرد که از جهش‌های تورمی فاصله زیادی نداشته باشند و از این جهت نظام بانکداری اسلامی بر نظام بانکداری سنتی که بهره ثابت از قبل تعیین شده‌ای را کاملاً بدون توجه به شرایط تورمی و سیر افزایش قیمت‌ها پرداخت می‌کند تفوق و برتری کامل دارد.

بنابراین پاسخ نهایی به این سؤال که در بانکداری اسلامی چگونه از ارزش منابع نقدی مردم حفاظت و نگهداری می‌شود این است که چنانچه بانکداری اسلامی به درستی پیاده شده باشد و سود حاصله از مشارکت در عقود به درستی بین سپرده‌گذاران (سهامداران) توزیع شود، ارزش سپرده‌های مردم نیابستی تقلیلی بیش از آنچه که در نظام ربوی حادث می‌شود نشان دهد، و حداقل آن است که بگوئیم در مورد این سؤال خاص امتیازات مشخص و کاملاً مشهودی رانسبت به سیستم بانکداری سنتی داراست.

بررسی مطالب مربوط به زمینه‌های نظری - مورد الف ۳ - وظیفه بانک‌ها در ایجاد پول:
در مورد اینکه در نظام بانکداری اسلامی، نقش بانک‌های تجاری و تخصصی در مورد گسترش و ایجاد پول بانکی و به تبع آن تسهیلات اعتبارات چگونه است و اینکه رابطه ایشان با بانک مرکزی به چه ترتیبی برقرار می‌گردد و عرضه پول توسط چه مقامی کنترل می‌شود نیز مطالعات وسیعی صورت گرفته است.

افتتاح حساب در بانک‌ها، در دو نوع:

الف - حساب‌های جاری و قرض الحسنه

ب - سرمایه‌گذار بهای کوتاه مدت و بلند مدت

پیش‌بینی می‌شود. حساب‌های جاری قرض الحسنه دیداری هستند و علیهذا ممکن است در هر زمانی مورد تقاضا قرار گیرد. بنابراین اولاً در مدیریت این حساب‌ها مسئله درصد ذخیره‌ای که با محاسبه احتمالات مراجعه مردم به بانک‌ها تعیین می‌گردد در جهت نگهداری میزان نقدینگی مطرح می‌شود و ثانیاً اینکه این درصد بایستی در چه حدودی باشد تا نظام نوپای بانکداری اسلامی را در مقابل شوک‌های وارده مصون بدارد. بحث نگهداری صد درصد ذخیره که در نوشته‌های فیشر (سال ۱۹۴۵) و هنری سیمون (سال ۱۹۴۸)^۱ مطرح گردیده بود اینک دوباره احیاء شده و برای حفظ ثبات بیشتر نظام بانکداری در اسلام و پیشگیری از امکان وقوع مشکلاتی همچون مسائلی که در سال‌های بحران گریبانگیر شبکه‌های بانکی غرب صنعتی بوده، در مورد حساب‌های جاری و قرض الحسنه بیان گردیده است.

1- Simons, H. "Economic Policy for a Free Society". Chicago 1943

بنابراین پیشنهاد شده که کل وجوه سپرده‌های جاری و قرض‌الحسنه در بانک‌ها نگهداری شود و پوشش هزینه‌های بانک از طریق اعمال کارمزد بصور مختلف تضمین گردد. اعمال این پیشنهاد مطمئناً محدودیت‌هایی بر عرضه پول ایجاد می‌کند و بانک‌های مرکزی لاجرم مجبورند در زمینه عرضه پول نقش فعال‌تری بعهده گیرند، چون نرخ بهره در کار نیست، و بانک‌های تخصصی و تجاری بطور تکاثری در تعدیل عرضه پول انگیزه و نقشی نخواهند داشت.

چهارچوب کلی نحوه کنترل حجم پول از طرف بانک مرکزی به اینگونه پیش‌بینی شده است که بانک مرکزی تقاضای پول را در اشتغال کامل درآورد و در فرض قیمت‌های باثبات و سایر ارزش‌های سیاسی و اجتماعی، رشد مطلوب عرضه پول را با توجه به رشد تولید ناخالص ملی و نیازهای جامعه تعیین می‌کند. پس نقش اساسی در تعیین عرضه پول که براساس آن سیاست پولی فرموله خواهد شد، در راستای حجم متناسب و مطلوب تقاضای پول و تولید ناخالص ملی است نه نرخ بهره.

در پاسخ به این تردید که آیا این روش در مقام مقایسه با روش جاری که نرخ بهره در عرضه پول نقش موثری داشته است و اینکه عرضه پول از یک متغیر برون‌زا به یک متغیر درون‌زا مبدل شده، می‌تواند روش موفق‌تری باشد یا خیر، گفته می‌شود که شواهد تجربی و نظری همگی دال بر آن هستند که ایجاد تغییر در سطح نرخ بهره هیچگاه اقدام موثری برای ایجاد انقباض یا انبساط پولی نبوده است. در عوض سیاست‌هایی که حجم مبنای پولی را تنظیم می‌کنند و در آن نوسانات نرخ بهره تنها از آثار تبعی این اقدامات خواهد بود سیاست‌های موفق‌تری بوده‌اند. مطالعات گوناگونی در تایید این نظریه انجام شده، که تلاش در جهت تغییر نرخ بهره برای دسترسی به اهداف پولی، غالباً آثار معکوس بر جای گذارده و به همین منظور نیز سعی می‌شود که مستقیماً از طریق منابع پولی و بدون استفاده از متغیر میانی نرخ بهره حجم پول و نرخ رشد آن را کنترل نمایند. در کنترل مبنای پولی نیز ابزارهایی که در اختیار بانک مرکزی قرار دارند عبارتند از:

الف - کنترل اجازه اعطای تسهیلات اعتباری از سوی بانک‌های تخصصی و تجاری

ب - نرخ ذخائر قانونی

ج - نسبت‌های نقدینگی در مورد حساب‌های سرمایه‌گذاری

د - دستورالعمل‌های تشویق و ترغیب بانک‌ها نسبت به رعایت مصوبات بانک مرکزی و

همچنین بازرسی‌ها و حسابرسی‌های مقطعی.

به این ترتیب در بانکداری اسلامی بانک مرکزی بعنوان بالاترین مقام پولی کشور، عرضه پول را با روشی که در بالا بیان شد با استفاده از تنظیم مبنای پولی کنترل خواهد نمود چون اعتقاد بر آن است که علی‌الخصوص در کشورهای در حال رشد، مبنای پولی متغیری مهم در تعیین حجم پول می‌باشد. حتی کسر بودجه دولت نیز که در اینگونه کشورها ارقام بزرگی را تشکیل می‌دهند و عمدتاً از طریق

استقراض از بانک مرکزی تأمین می‌شود، روی مبنای پولی اثر می‌گذارد در حالیکه نرخ بهره در تعیین عرضه پول نقش موثری نخواهد داشت^۱. علیهذا چنانچه بانک مرکزی بتواند به خوبی مبنای پولی را کنترل کند، فقدان ابزارهای سنتی سیاست‌های رایج نباید در مدیریت یک سیاست پولی مفید و موثر اشکال خاصی ایجاد نماید. البته این مسئله همواره باقی خواهد بود و صحیح هم می‌باشد که چنانچه دولت‌ها خود را به روش‌هایی که موجب ثبات قیمت‌ها باشد متعهد ندانند، نه این سیاست پیشنهادی و نه هیچ سیاست پولی دیگری با موفقیت به اجراء در نخواهد آمد. به هر تقدیر از مطالعات انجام شده اینگونه نتیجه‌گیری می‌شود که رابطه بانک مرکزی با شبکه بانکی و وظیفه نشر و کنترل پول در نظام اقتصاد اسلامی دچار هیچ‌گونه مشکل خاصی نیست و پیش‌بینی نمی‌شود که اجرای اصول بانکداری اسلامی ما را در عمل با مسئله لاینحلی مواجه نماید مضاف بر آن اعتقاد بر آنست که اجرای اصول بانکداری اسلامی موجب اجرای قسط و عدل بیشتر می‌شود و باعث می‌گردد که سپرده‌گذاران به حقوق واقعی خود که چیزی بیشتر از یک نرخ بهره از قبل تعیین شده است دست خواهند یافت.

بررسی مطالب مربوط به زمینه‌های نظری - مورد الف ۴ - نرخ بهره و شرایط رکودی:

اما اینکه در شرایط رکود که چشم‌انداز سودآوری کم است و بخش خصوصی رغبتی به سرمایه‌گذاری ندارد و لازم است سیاست انبساطی اعمال گردد، در حالی که نرخ بهره بعنوان یک ابزار سیاست‌گذاری در دسترس نیست، چگونه این سیاست با اعمال عقود اسلامی و سهم سود مشارکت قابل انجام است، هنوز پاسخ کاملاً قانع‌کننده‌ای که مورد قبول همه کارشناسان امر قرار گیرد ارائه نشده است. یک راه‌حل این است که بانک مرکزی سهم سود بانک‌ها در مشارکت‌ها و عقود را به نفع سود قابل تعلق به سپرده‌گذار کاهش دهد تا این امر موجب شود مقدار مطلق سودی که به سرمایه‌گذاران و عاملین بخش خصوصی تعلق می‌گیرد بیشتر گردد و بعنوان یک حرکت انبساطی کارساز باشد^۲. ولی نه این راه‌حل و نه سایر روش‌هایی که به آنها اندیشیده شده است هیچکدام هنوز مراحل تجربی را نگذرانیده و مورد تأیید قرار نگرفته‌اند و علیهذا نمی‌شود با اطمینان پیرامون آنها سخن گفت و پاسخگویی به این سؤال هنوز محتاج به مطالعات تجربی بیشتری است. اعتقاد بر این است که با گذشت چند سال تجربه عملی دیگر در بانکداری اسلامی، مطمئناً ابزارهای انبساطی و انقباضی بهتری شناخته و اعمال خواهند شد.

۱- از جمله رک به: «نقدینگی و سایر عوامل تورم در اقتصاد ایران» مجله اقتصادی نشریه وزارت امور اقتصادی و دارائی - معاونت امور اقتصادی. ص ۲۵ - ۱۳ زیر نظر دکتر اکبر کمیجانی و دکتر بیژن بیدآبادی.

با همکاری کارشناسان آقایان محسن نظری و فرهاد خداداد.

۲- احمد زرتاء: «پول و بانکداری در اسلام» موسسه مطالعات سیاست‌گذاری. پاکستان ۱۹۸۳ صفحه ۶۱

بررسی مطالب مربوط به زمینه‌ای نظری - مورد الف ۵ - نقش سیستم بانکی در امر سرمایه‌گذاری:

در پاسخ به این مورد که آیا در نظام بانکداری اسلامی بانک‌ها صرفاً واسطه وجوه هستند و یا اینکه خود مستقلاً در فعالیت‌های صنعتی و تجاری مشارکت می‌کنند و در این نقش بصورت یک شرکت سرمایه‌گذاری ظاهر می‌شود، شایسته است بحث را ابتدا با تعاریفی آغاز نمائیم. هنگامی که بانک واسطه وجوه است، در این نقش وجوه مورد نیاز سرمایه‌گذاران و متقاضیان منابع را صرفاً از طریق جمع‌آوری سپرده‌ها ایجاد و با رعایت سقف‌های متعینه که در سال توسط شورای پول و اعتبار وضع می‌شود تامین و واگذاری می‌نماید. زمانی که بانک‌ها خود سرمایه‌گذار صنعتی هستند بعنوان یک شریک و بطور فعال وارد عمل می‌شوند و بصورت یک وکیل و نماینده سرمایه‌گذار در نحوه بکارگیری سپرده‌های سرمایه‌گذاری به اقتضای رسالت فعالانه برخورد تخصصی می‌نمایند. در این ظرفیت بانک در منزلت یک موسسه توسعه‌ای ظاهر خواهد شد.

هنگامی که بانک واسطه وجوه است منابع مورد نیاز سرمایه‌گذاران را صرفاً از طریق نقل و انتقال وجوه و با رعایت سقف‌های معین اعتباری تامین و واگذار می‌کند در حالیکه اگر بانک اسلامی یک شریک سرمایه‌گذاری باشد و مثل یک بانک تخصصی عمل کند بعنوان شریک و وکیل در نحوه کیفیت بکارگرفتن سپرده‌های سرمایه‌گذاری به اقتضای رسالت خود بطور فعال برخورد تخصصی می‌کند. هنگامی که بانک واسطه وجوه است ملزم به رعایت قواعد و مقرراتی است که برای خود بانک هم مشکل‌آفرین است. از جمله مشکلات این است که در شرایط تغییرات دائمی متغیرهای اقتصاد کلان در داخل کشور و وضعیت متحول صنعت بانکداری در خارج از کشور بسیار مشکل است که بتوان نرخ سود و بازدهی مشخصی را برای سپرده‌گذار تعیین کرد به طوری که منابع هر دو طرف حفظ شود. این دیدگاه است که بانک‌ها بعنوان واسطه وجوه مطرح می‌شوند یعنی سیستمی که وجوه را از صاحبان سپرده می‌گیرند و به صورت امین و وکیل آن را در اختیار سرمایه‌گذار قرار می‌دهند. این همان نقشی است که بانک در وضعیت سنتی و جوامع غربی دارد و بجای آنکه سپرده‌گذار خود بطور مستقیم با سرمایه‌گذار مواجه شود بانک در نقش واسطه کار را انجام می‌دهد. اشکال کار هم درست در همین جاست زیرا بانک خودش را حافظ سپرده‌های سپرده‌گذاران می‌داند و به این دلیل ناگزیر است این منابع را بخاطر کسب سود در اختیار سرمایه‌گذاران بگذارد و البته سعی می‌کند که پس از خاتمه معامله هر چه زودتر خودش را کنار بکشد زیرا کارش بعنوان واسطه وجوه فقط اداره پول بوده است. اما اگر بانک بخواهد بصورت یک بانک اسلامی وارد بازار اقتصاد شود باید به تمام معنا وارد کار اقتصادی و سرمایه‌گذاری بشود. یعنی مثل یک بانک تخصصی و فعال که خود سرمایه‌گذار است وارد

صحنه عمل شود و به سرمایه‌گذاری مستقیم اقدام نماید. روح حاکم بر عقود اسلامی نیز در واقع روی این نحوه از عملکرد بانک صحنه می‌گذارد. حال پرسشی که مطرح می‌شود این است که آیا بانک‌های ما تخصص و دانش لازم را برای آنکه بعنوان یک شریک فعال با یک سرمایه‌گذار وارد بازار شوند دارا می‌باشند، یا اینکه آموزش‌های داده شده تاکنون نوعاً محدود به تئوری عقود اسلامی بوده و حوزه عمل فعالانه سرمایه‌گذاری در پهنه اقتصاد کشور را شامل نمی‌شده است.

در هنگامی که بانک‌ها در نقش واسطه و جوه ظاهر می‌شوند کارشان دقیقاً همان بانکداری سنتی است با این تفاوت که بجای استفاده از نرخ بهره از عنوان سود مشارکت در عقود اسلامی استفاده می‌کنند. بانک‌های ما برای ایفای نقش بعنوان واسطه و جوه تخصص نسبی لازم را کسب کرده‌اند ولی برای ایفای نقش بعنوان یک شریک سرمایه‌گذار و یک بانک تخصصی هنوز تخصص (و جرات) لازم را ندارند پس بانک تخصصی از یک سو وظیفه حفظ ارزش سپرده‌گذار را بعهده دارد ولی از سوی دیگر هنوز تخصص لازم برای اجرای کار را ندارد و عدم امکان جمع این دو وظیفه است که از جمله علل عدم موفقیت بانکداری اسلامی در ایران می‌باشد.

نتیجه‌گیری مربوط به بند الف - مسائل نظری:

در مجموع آنچه را که می‌توان بعنوان جمع‌بندی در مورد نتایج حاصله پیرامون زمینه‌های تئوری نظام اقتصادی اسلامی و بخصوص بانکداری اسلامی بیان نمود این است که به موجب تحقیقات انجام شده و شواهدی که تاکنون تجربه گردیده این نظام در زمینه‌های نظری و تئوریک جز در موارد معدود دارای هیچگونه مشکل خاصی که براساس آن در مقام مقایسه با سیستم بانکداری سنتی مورد انتقاد یا ایراد واقع شود نیست و در صورت نیاز، حتی انطباق مفاهیم آن با مفاهیم و مکانیزم‌های بانکداری غربی و سنتی بدون اشکال مهمی قابل انجام است. آنچه که باقی می‌ماند آن است که در بلند مدت آیا چیزی را که بعنوان زمینه‌های نظری با رعایت اصول منطقی بحث و استدلال می‌شود در شواهد تجربی و اجرا نیز به همان روشنی و قابلیت پذیرش ملاحظه می‌نمائیم یا خیر. چنانچه تحقیقات و تجربیات نیز چنین موضوعی را تأیید نمایند. آنگاه بایستی اشکال کار عدم موفقیت نظام بانکی در پشتیبانی از سایر بخش‌ها را در روش‌های پیاده کردن و اجرای نظام بانکداری اسلامی جستجو کنیم.

بررسی مطالب مربوط به تکافوی محتوایی مقررات - مورد ب ۱ - همه شمول بودن آئین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌ها:

بسیاری از مشکلاتی که در مسیر اجرای قانون عملیات بانکداری بدون ربا و دستورالعمل‌های اجرایی آن مورد مواجه مسئولین شعب بانکها قرار می‌گیرد و به علت وجود این مشکلات توانایی پاسخگویی به تمام سئوالات مشتریان خود را ندارند و یا اینکه گاه آماده ارائه رهنمودی موثر به متقاضی منابع نیستند این است که تبیین و روشن‌گری راه‌های علمی استفاده از قانون و

دستورالعمل‌های آن بخوبی صورت نگرفته است و مسئله بدانگونه نیست که مسئولین اجرایی و کارگزاران سیستم بانکی بتوانند برای هر نیازمندی خاص در بخش‌های گوناگون اقتصاد، بهترین روش‌های خاص بانکی استفاده از تسهیلات را پیشنهاد و مزایای استفاده از آن را در قبال مقایسه با سایر روش‌ها و امکانات برشمارند. به گونه‌ای که مشتریان بانک‌ها، روش‌های پیشنهادی مسئولین بانک را از روی استفاده و ایمان بپذیرند و به آن کیفیت عمل کنند. بسیاری از صنایع کشور نیز گاه که منابع فوری جهت پیش‌پرداخت خرید مواد اولیه و یا قطعات یدکی ماشین‌آلات و یا سایر احتیاجات صنعتی نیازمند می‌شوند متوجه می‌گردند که استفاده از تسهیلات اعتباری سیستم بانکی بر ایشان بسیار گران تمام می‌شود. در پی جویی علل کمی کارآئی نظام تسهیلاتی شبکه بانکی بخصوص برای بخش صنعت کشور به مسائل گوناگون بر می‌خوریم. از جمله مسائل و مشکلات آنست که به هنگام تدوین و تهیه و تنظیم قانون و دستورالعمل‌های اجرایی آن علی‌الظاهر وقت کافی در دسترس نبوده و علیهذا مقداری تعجیل صورت گرفته که اینک کارگزاران بانک‌ها را برای پیشنهاد بهترین شیوه استفاده از تسهیلات در تنگنا قرار داده است. برای مثال اگر تصور کنیم هر بانک در هر سال دهها هزار فقره تسهیلات ارائه می‌کند،^۱ نیاز به سیستم وسیع، مالی و قراردادی کار آوگسترده‌ای هست که کلیه آن قراردادها را بطور جداگانه بررسی نماید و سود و زیان عملیات مربوط به هر یک را دقیقاً محاسبه و ثبت کند و سهم بانک و سهم سپرده‌گذار و سرمایه‌گذار را معین نماید. چون اداره این حجم از کار غیرممکن بنظر می‌رسد، آنچه که در عمل انجام شده این است که عملیات را نه براساس نظامات تخصصی و نیازهای واقعی بخش‌های صنعت و کشاورزی و خدمات و ویژگیهای خاص آنها، بلکه در چند طبقه عمومی و کلی دسته‌بندی و همه را سودآور فرض نموده و برای هر دسته درصدهای سود از قبل منظور کرده‌اند. مسلماً این چیزی نیست که روح حاکم بر عقود اسلامی در نظر داشته باشد، و علیهذا تا زمانیکه این رویه بر عملکرد نظام بانکی حاکم باشد نمی‌توانیم به واقع نام بانکداری اسلامی و عملیات بانکداری بدون ربا را بر آن بگذاریم، چرا که به الزام و اجبار صرفاً به طبقه‌بندی، استاندارد کردن و یک‌نواخت کردن نرخ‌ها پرداخته‌ایم و این گرایش به استاندارد کردن و ساده کردن امور، یعنی نرخ سود متغیر مورد نظر عقود اسلامی را به نرخ ثابت بهره ملاک عمل در بانکداری ربوی تبدیل نموده‌ایم، در حالیکه انتظار این بوده که نیازهای بخش‌های مختلف اقتصاد را بخوبی مورد تشخیص و برخورد قرار داده باشیم و برای هر نیازی، روشی خاص تمهید کرده باشیم.

۱- بموجب اطلاعات مندرج در جدول پیوست که توسط اداره بررسیهای اقتصادی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به کمیسیون‌های تخصصی ارائه شده است در چهار ماه اول سال ۱۳۷۲ تعداد ۷۱۰۲۰۰ فقره تسهیلات بانکی توسط بانک‌های تجاری و تعداد ۱۷۴۴۰۰ فقره تسهیلات بانکی توسط بانکهای تخصصی ارائه شده است. به این ترتیب متوسط ارائه تسهیلات بانکی در هر ماه به بیش از